

محمد رضا ملایی  
عضو حلقه‌ی علمی افق  
گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد

### بر کرسی تعلیم

#### تقوای تدریس

قرائن زیادی از مقام بزرگ علمی حضرت آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی پرده بر می‌دارد؛ سوابق تحصیلی، سوابق تدریس، توجه به هم‌مباحث‌های آن بزرگوار در تهران و نجف و نیز برخی از شاگردان ایشان، همه گویای قدر و منزلت شخصیت علمی ایشان است. در کنار این شواهد، اجازه‌ی اجتهاد آیه الله العظمی خویبیه ایشان، بیشتر خودنمایی می‌کند. با توجه به اینکه اکثر این اجازات از طرف علمای بزرگ برای تسهیل عبور و مرور شاگردان و یا معرفی شاگردان به بقیه صادر می‌شد، در نگاه نخست چنین تصور می‌شود که چون این اجازه، به هنگام عزیمت آیه الله العظمی فلسفی به تهران صادر شده، بنابراین بیشتر جنبه‌ی معرفی داشته و مفاد انحصاری آن از اهمیتی برخوردار نیست. لیکن شواهد نشان می‌دهد این اجازه صرفاً به دلیل مقام علمی آیه الله العظمی فلسفی از جانب استادشان صادر شده است:

اجتهادنامه‌هایی که آقای خویی برای شاگردانشان صادر فرموده اندک است، تا آنجا که بسیاری بر آنند که ایشان کمتر از پنج اجتهاد نامه برای شاگردان خویش صادر نموده است. آیه الله العظمی فلسفی و آیه الله العظمی سیستانی در زمره‌ی این شاگردانند، و مقام علمی این بزرگواران بسی والاتر از این است که اجازه به جهت تسهیل عبور و مرور دریافت کرده باشند.

افزون بر این آیه الله العظمی فلسفی این اجازه نامه را هنگام بازگشت به تهران (سال ۱۳۴۰) دریافت کرد و ایشان در تهران شخصیت شناخته شده‌ای بود، و حتی به درخواست مردم تهران از آیه الله العظمی خویی برای امامت مسجد لُرزاده - به تهران رهسپار شد. پس نمی‌توان صدور این اجازه را برای معرفی ایشان قلمداد کرد.

شایان ذکر است که یکی از شاگردان آیه الله العظمی خوییا اجازه نامه‌ای به منظور معرفی به دیگران در محیط‌های غیرحوزوی دریافت کرده که با تصویر اجازه اجتهاد آیه الله العظمی فلسفی کاملاً متفاوت است، و این خود تأییدی است بر اینکه این اجازه‌ی اجتهاد در راستای تأیید علمی ایشان صادر شده است.

علاوه بر اینها، این گواهی بدون اطلاع شخصی مرحوم فلسفی صورت گرفت، و نخستین اجازه‌نامه‌ای بود که آیه الله العظمی خویبیری شاگردانشان صادر فرمود.<sup>۱</sup>

### انواع فعالیت‌های علمی

فعالیت‌های علمی ایشان، در دو بخش سطح و خارج و در سه حوزه تهران، نجف و سپس مشهد قابل بررسی است، در اینجا، عمر علمی ایشان را در دو بخش سطح و خارج مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱- تدریس سطح

۱/۱ تهران:

آیه الله العظمی فلسفی تا سال ۱۳۲۲ - قبل از عزیمت به نجف - تمام دروس سطح را در تهران فراگرفت. اینکه ایشان در تهران قبل از سال ۱۳۲۴ به تدریس دروس سطح<sup>۲</sup> پرداخته باشد تصریحی وجود ندارد. ولی با توجه به اخلاق علمی ایشان در اصرار بر تدریس (تا آنجا که به یکی از شاگردان خویش سفارش کرده بودند که تدریس کن، حتی اگر شده شرح امثله بگویی)<sup>۳</sup> طبیعی است که ایشان در تهران دروس سطح را تدریس کرده باشد. البته در تدریس دروس مقدماتی توسط ایشان در تهران شکی نیست؛ چنان که حجة الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان معالم الاصول را - که کتابی اصولی و تقریباً آخرین کتاب دوره‌ی مقدمات است - نزد ایشان فرا گرفته است.<sup>۴</sup>

۱. سایت رضوی

۲. دروس سطح عبارتند از رسائل و مکاسب شیخ انصاری (۱۳۸۱ ق) و سپس کفایة الاصول آخوند محمد کاظم خراسانی (۱۳۲۹ هـ ق) این دروس حلقه میانی مقدمات و خارج در حوزه محسوب می‌شود، و دروس خارج غالباً بر مبنای کتاب‌هایی است که در سطح خوانده می‌شود.

۳. به نقل از حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی.

۴. سایت انصاریان.

زمانی که ایشان به نجف رهسپار گردید، حدود نُه سال از رحلت آیه الله العظمی شیخ عبد الکریم حائری می گذشت. آیه الله العظمی حائری - که در سال ۱۳۰۰ هـ ش به دعوت فضلا و مردم قم به این شهر آمدند - با تأسیس حوزه علمی قم، جانی دوباره در کالبد نیمه جان این حوزه دمیدند و مرکزیتی قابل توجه به آن دادند. با این اوصاف، می توان گفت آیه الله العظمی فلسفی هنگامی که آماده فراگرفتن دروس سطح شد، با توجه به اینکه از تأسیس حوزه علمی قم حدود ۱۵ الی ۲۰ سال می گذشت، طبیعتاً ایشان باید اساتید سطح قم را برای فراگرفتن دروس سطح بر می گزید، در حالی که ایشان در تهران ماند و دروس سطح خود را آنجا به پایان رساند، و از همانجا به نجف رهسپار شد.

این نشان می دهد که در تهران نیز حوزه علمی، قوت علمی قابل توجهی داشته تا آنجا که کسانی مانند آیه الله العظمی فلسفی و دکتر گرجی در آن ماندند.

آیه الله حائری در سال ۱۳۱۵ هـ ش درگذشت و تا سال ۱۳۲۰ هـ ش که آیه الله بروجردی به قم تشریف فرما گردید، حوزه قم به شدت تحت فشار حکومت رضاخان و به تعبیری تقریباً نابسامان شده بود. گرچه پس از ورود آیه الله العظمی بروجردی وضعیت حوزه آرام شد، ولی به نظر می رسد حوزه قم تهران - با اینکه در مرکز حکومت قرار داشت - از آرامش بیشتری برخوردار بود. اگر به این آرامش نسبی، حضور امثال آیه الله شیخ محمدرضا تنکابنی (پدر آیه الله العظمی فلسفی) در حوزه قم تهران را بیفزاییم، نرفتن فضایی مثل آیه الله العظمی فلسفی - و نیز دکتر گرجی - به قم، فهم پذیرتر خواهد بود.<sup>۱</sup>

آیه الله شیخ محمدرضا تنکابنی از مجتهدان و مدرسان زبردست بود که سالها در مدرسه «فیلسوف الدوله» تهران تدریس می کرد. ایشان از شاگردان آیه الله تنکابنی، آیه الله آخوند ملاعلی همدانی و آیه الله میرزا هاشم آملی<sup>۲</sup> بود؛ و نیز محضر فقهی آیه الله شیخ حبیب الله رشتی و سید کاظم طباطبایی یزدی را درک کرد، و دو دوره درس خارج اصول فقه آخوند خراسانی را نیز حضور داشت و از وی اجازه اجتهاد گرفت.<sup>۳</sup> قابل توجه است که مرحوم فلسفی در همین سالها با اینکه با اجازه اجتهاد از نجف برگشته بودند برای جوانان علاقه مند صرف و نحو عربی را هم تدریس می کردند.<sup>۴</sup>

۱. البته این گمانهها برای قبل از سال ۱۳۲۲ هـ ش صادق است؛ زیرا ایشان بعد از رجوع از نجف به تهران در سال ۱۳۴۰ هـ ش، علاوه بر تدریس دروس تخصصی خارج فقه و اصول، به تدریس کفایه و مکاسب نیز پرداختند (خاطرات شریف لکزایی).  
۲. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۲۳.  
۳. سایت رضوی.  
۴. سایت رضوی.

ورود ایشان به تهران - در سال ۱۳۴۰ هـ ش - با رحلت آیه الله العظمی بروجردی همراه شد، و زمانی که ایشان به تهران تشریف آوردند آیه الله العظمی سید احمد خوانساری در تهران حضور داشتند، و پدرشان آیه الله محمدرضا تنکابنی نیز در قید حیات بودند.

شایان ذکر است که ایشان (حدود سال ۱۳۳۴ هـ ش) طی سفری مقطعی به تهران، به درخواست تعدادی از فضلاء آنجا مدتی به تدریس مکاسب پرداختند، ولی دوباره به نجف برگشتند.<sup>۱</sup>

#### ۲/۱ نجف

آیه الله العظمی فلسفی در سال ۱۳۲۲ هـ ش - در حالی که هنوز ۲۵ سال بیشتر نداشت - به درخواست پدر، به نجف رفتند تا تحصیلات خود را در آنجا ادامه دهند.<sup>۲</sup>

ایشان در نجف تدریس را از شرح لمعه آغاز کرد و اولین محل تدریس ایشان در نجف، سایه دیوار پشت بام مدرسه سید محمد کاظم یزدی بود. پس از آن، به تدریس تمام دروس سطح - رسائل و مکاسب و کفایة الاصول - پرداخت.

تدریس کفایة الاصول ایشان در نجف بسیار مشهور شد، تا آنجا که پررونق‌ترین درس کفایه در نجف گردید. با توجه به اینکه کفایة الاصول کتابی ارزشمند و گران سنگ است و تسلط بر آن مجوز شروع درس خارج محسوب می‌شود، و نیز با در نظر داشتن شرایط علمی محیط نجف - که در آن زمان مرکز علمی جهان تشیع محسوب می‌شد و بسیاری از بزرگان در آنجا به فعالیت‌های علمی پرارجی اشتغال داشتند - جلوه‌ی درس کفایة الاصول آیه الله العظمی فلسفی در آن محیط، بیانگر مقام علمی ایشان به شمار می‌رود. شهرت تدریس ایشان تا آنجا بود که مدرسانی در حوزه‌ی نجف او را از جادوی بیان برخوردار می‌دانستند، و استادش آیه الله العظمی خوبی با مشاهده‌ی فراوانی شاگردان وی، او را به ماندن در نجف و ادامه تدریس تشویق کرد.<sup>۳</sup>

از شاگردان سطح ایشان در نجف می‌توان به آیه الله العظمی آصف محسنی، آیه الله العظمی محمد اسحاق فیاض و نیز پژوهنده‌ی سترگ مرحوم استاد علی دوانی اشاره کرد.<sup>۴</sup>

#### ۳/۱ مشهد

ایشان در تابستان سال ۱۳۴۸ هـ ش در سفری که به مشهد داشت، با دعوت آیه الله العظمی میلانی مبنی بر ماندن در مشهد و افزودن بر پررونق

۱. حجة الاسلام و المسلمین شریف لکزایی.

۲. سایت رضوی.

۳. نگاهی کوتاه به حیات علمی آیه الله العظمی فلسفی

۴. سایت مرکز اسناد.

حوزه این شهر مواجه گردید،<sup>۱</sup> و در همان سال از ابتدای سال تحصیلی در مشهد حاضر شده، به تدریس مشغول گشتند. در این بین برخی حدس می‌زنند که توصیه‌ی استادشان مرحوم آیه الله العظمی خویی مبنی بر ماندن در مشهد، بی‌تأثیر نبوده است.<sup>۲</sup> جالب آنکه در درس سطح ایشان در مشهد، اساتید حوزه هم شرکت می‌کردند. گزارشهای موجود شفاهی نشان می‌دهد ایشان در بدو ورود به مشهد به تدریس سطح پرداختند و از کتب سطح، بیشتر مکاسب را مدتظر قرار داده بودند. گزارشهایی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه ایشان در سال ۱۳۵۵ هـ ش بخش‌های مکاسب را در دوره‌ی سطح تمام کرده‌اند.<sup>۳</sup>

#### ۴/۱ شیوه‌ی تدریس ایشان در دوره سطح

ایشان برای تدریس سطح شیوه‌ای را برگزیدند که کاملاً متناسب با این دوره بود. از امتیازات شیوه‌ی ایشان در تدریس دروس سطح، بیان شیوا و مهارت در عمق بخشیدن به تدریس، در عین خلط نکردن مباحث سطح با خارج بود.<sup>۴</sup>

ایشان در دسته‌بندی پیچیده‌ترین مطالب مکاسب (آخرین کتاب فقهی قبل از خارج و در حقیقت درس خارج فقه شیخ انصاری) و سپس ارائه‌ی آن با شیواترین بیان، مهارت عجیبی داشتند.<sup>۵</sup> سبک ایشان در تدریس دروس سطح، فهماندن مطالب کتاب (و نه بیشتر) بود. به یکی از فضلالی مشهد با صراحت فرموده بودند که: «من نظرم این است که اگر ما بتوانیم همان مقصود شیخ را بفهمیم یک کار فوق العاده کردیم، و استادی که مکاسب تدریس می‌کند باید در صدد این باشد که آن مقصود را اولاً بفهمد و بعد خوب تفهیم کند، نه اینکه قبل از اینکه عبارت روشن شود در حواشی غرق شویم».<sup>۶</sup>

#### ۲- تدریس خارج

##### ۲/۱ نجف

به نظر می‌رسد که ایشان در نجف درس خارج نداشتند، ولی قرائنی نشان می‌دهد که آیه الله العظمی فلسفی در اواخر حضورشان در نجف اشرف یک تدریس خصوصی در مقطع خارج داشته‌اند. در گلایه‌ای که ایشان با یکی از شاگردان درس خارج خویش در مشهد (که از فضلالی آن حلقه محسوب می‌شد) داشتند، چنین فرموده‌اند: «وقتی در نجف بودم چهار پنج شاگرد داشتم به همان‌ها دلگرم‌تر بودم تا این جمعیت». از آنجا که ایشان در نجف

۱ سایت رضوی

۲ آیه الله اشرفی شاهرودی.

۳ حجة الاسلام و المسلمین فرجام، مدیر اجرایی حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان.

۴ به نقل از حجج اسلام: ایمانی و شریف لکنزایی.

۵ حجة الاسلام و المسلمین علیرضا ایمانی.

۶ حجة الاسلام و المسلمین محمد حسنربانی.

مشغول تدریس سطح، و به ویژه کفایة الاصول بوده‌اند و درس ایشان در نجف بسیار شلوغ بوده است، به احتمال زیاد، منظور آیه الله العظمی فلسفی، شاگردانی بوده که در حلقه خصوصی درس خارج ایشان در نجف شرکت می‌کردند، خصوصاً این که این مطلب را در مقایسه با درس خارج‌شان در مشهد فرموده بودند.

از فعالیت‌های دیگر علمی ایشان می‌توان به حضور ایشان در حلقه‌ی استفتائات آیه الله العظمی خویی اشاره کرد که در آن حلقه بر کتاب عروة الوثقی اثر سید محمد کاظم یزدی از فقهای به نام نجف و کتاب وسیله‌ی النجای تألیف سید ابوالحسن اصفهانی مرجع یگانه‌ی عصر خویش حاشیه زده می‌شد.<sup>۱</sup>

**۲/۲ تهران:**

آیه الله العظمی فلسفی همزمان با ورود به تهران و پرداختن به امور مسجد لرزاده علاوه بر تدریس کفایه و مکاسب، خارج عروة الوثقی را نیز شروع کردند که این سه درس را در منزل خودشان و مسجد لرزاده افاضه می‌فرمودند.<sup>۲</sup>

منزلت کتاب عروة الوثقی تا حدی است که حاشیه بر آن را به نوعی بیانگر اجتهاد مُحَشّی می‌دانند. با این اوصاف، آیه الله العظمی فلسفی هم در حلقه استفتائات آیه الله العظمی خویی از مُحَشّین عروة الوثقی بوده و هم در تهران در ابتدای تدریس خارج فقه، متن عروة الوثقی را بر می‌گزیند.

**۳/۲ مشهد:**

عمده درس خارج ایشان که قریب ۳۵ سال طول کشید در مشهد بود. ایشان در تابستان ۱۳۴۸ هـ ش برای زیارت به مشهد آمدند در این زمان آیه الله العظمی میلانی مشغول تدریس خارج فقه بودند و آیه الله العظمی وحید خراسانی نیز خارج اصول را تدریس می‌کردند.

آیه الله العظمی وحید قصد عزیمت به قم را داشتند عده‌ای از فضلا از آیه الله العظمی فلسفی می‌خواهند تا در مشهد بماند و خارج اصول را تدریس فرماید. در همین ایام، پیام درخواستیة الله العظمی میلانی مبنی بر ماندن آن فقید در مشهد و پرکردن جای آیه الله العظمی وحید مواجه شدند.<sup>۳</sup> ایشان در مدت کوتاهی که در مشهد بودند یک بحث از مباحث قسمت اوامر را تدریس، و بعد از آن به تهران مراجعت فرمود.<sup>۴</sup>

۱ نگاهی کوتاه به حیات علمی آیه الله العظمی فلسفی.

۲ حجة الاسلام و المسلمین شریف لکزایی.

۳ سایت رضوی.

۴ حجة الاسلام و المسلمین علم الهدی.

در آغاز ایام درسی همان سال (۱۳۴۸ هـ ش) ایشان به مشهد آمده و تدریس را شروع کردند و از قاعده ترتب (یکی از مباحث سنگین اصول که در بحث اوامر پی‌گیری می‌شود) خارج اصول خود را شروع کردند.<sup>۱</sup> اولین محل تدریس ایشان مسجدی در کوچه‌ی چراغ برق بود که به دلیل استقبال زیاد از درس ایشان محل درس به مدرسه‌ی نواب منتقل شد و در ادامه به همان علت، محل درس را به مدرسه‌ی میرزا جعفر (محل دانشگاه فعلی سمت راست بست بالا یا صحن کهنه) و سپس به مسجد ملاحیدر و از آنجا به مدرسه‌ی درمدرسه آیه الله العظمی خوئی و سپس زیر گنبد که مهمترین محل برقراری درس اصلی مشهد است، انتقال دادند. تقریباً بعد از سال ۱۳۵۴ ش، یعنی اندکی پس از وفات آیه الله العظمی الله میلانی، درس خارج فقه ایشان شروع شد و آن استاد بزرگ، تا اواخر عمر شریفشان کتاب‌های قضاء، شهادت، قصاص، حدود، دیات، حج، صوم، بیع، خیارات، زکات، خمس، مکاسب محرمه و ارث را به بحث نشست. خارج اصول ایشان بر مبنای کفایه‌ی الاصول و خارج فقه ایشان بیشتر بر مبنای شرایع الاسلام محقق حلی (۶۷۵ هـ) بود.<sup>۲</sup> البته گزارشهایی نیز مبنی بر اینکه درس خارج فقه را بر مبنای عروة الوثقی افزوده، در دست است که به نظر می‌رسد این درس خارج همانی بود که طی سال‌های ۱۳۴۰ ش در تهران افزوده شده‌اند.

به نظر می‌رسد به علت توالی دوره‌های متعدد درس خارج اصول ایشان (مجموعاً چهار دوره خارج اصول)<sup>۳</sup>، درس خارج اصول ایشان بیشتر مورد توجه فضلالی مشهد قرار گرفت. این در حالی است که از زمان میرزا مهدی اصفهانی تا قبل از آیه الله فلسفی، همواره خارج فقه بیشتر مورد توجه مدرسین مشهد اعم از آیات عظام: میلانی، مروارید، میرزا جواد آقا تهرانی و ... بود.

### روش تدریس

در این قسمت، ابتدا به سبک تدریس آیه الله العظمی فلسفی و سپس به ویژگی‌های تدریس ایشان خواهیم پرداخت.

#### سبک تدریس:

آیه الله العظمی فلسفی بیشترین دوره‌ی تحصیل خود را در محضر آیه الله العظمی خوئی سپری کرد، و از این رو سبک درسی ایشان تقریباً سبک تدریس استادشان بوده است. در عین حال باید توجه کرد که آیه الله العظمی فلسفی اولین دوره‌های تدریس ایشان را درک کردند، و از آنجا که

۱ حجة الاسلام و المسلمین علم الهدی.  
۲ حجة الاسلام و المسلمین محمدحسن ربانی.  
۳ حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید.

بعدها تغییراتی در مبانی یا بیانات آیه الله العظمی خویی پدید آمد، آیه الله العظمی فلسفی بر طبق مبانی و بیانات قدیم استاد تدریس می فرمود. مدرسان خارج فقه، غالباً متنی را محور قرار داده بر اساس آن، تدریس خارج را انجام می دهند. در گذشته شرایع الاسلام محقق حلی (۶۷۵ ق) که واجد تمام کتابهای فقهی است مورد توجه بود ولی بعد از تألیف عروة الوثقی توسط آیه الله سید کاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷ هـ ق)، این متن بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

البته در حال حاضر برخی از مدرسان، درس خارج خود را بر اساس تحریر الوسیله امام خمینی (۱۴۰۹ هـ ق) و یا منهاج الصالحین آیه الله العظمی خویی (۱۴۱۳ هـ ق) سامان می دهند.

در کنار این دروس متن محور، «مکتب سامرا» در شیوة تدریس، روشی منحصر به فرد داشته است. در این مکتب، استاد با القای یک مسئله فقهی آن را میان شاگردان به بحث می گذارد، و استاد فقط نقش هدایت کننده می باشد. مبحث را بر عهده می گیرد. البته در انتها این استاد است که نظر نهایی را منقح می سازد.

آیه الله العظمی خویی خارج فقه خود را، هم بر اساس مکاسب شیخ و هم بر اساس عروة الوثقی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، ارائه فرمودند. از مبانی آیه الله العظمی خویی در خارج فقه، حجیت روایت بر اساس ملاک وثوق به صدور است. به این معنا که در بررسی روایات، مجموع قرائنی که دلالت بر صدور روایت می کند، اگر به حدی باشد که موجب حصول اطمینان گردد - هر چند سند این روایت ضعیف باشد - ادله حجیت خبر واحد شامل چنین روایتی می شود. در این راستا مراسلات مشایخ ثلاث و نیز بخشی از مراسلات صدوق که با «قال الامام» شروع می شود و نیز مشایخ ابن قولویه و... را معتبر دانسته می شود.

این مبنا در دوره های اول اصول آیه الله العظمی خویی بود و در دوره های متأخر تدریس خویش، از این مبنا عدول کرده، مبنای وثوق سندی را پذیرفتند. قائلین به این مبنا بر این عقیده اند که ادله حجیت خبر واحد فقط روایاتی را شامل می شود که از سند مؤثق (مروی از راویان عادل یا ثقه) برخوردار باشند. لازمه این قول، عدم اعتبار مراسلات مشایخ ثلاث و نیز مراسلات صدوق و... است.

از خصوصیات بارز درس آیه الله العظمی خویی - در فضایی که شیوه عام مدرسان خارج فقه ذکر موضوع مورد بحث و سپس طرح استدلال متعدد در رد و یا ابرام آن بود - مشخص کردن موضوع مورد بحث بود. ایشان در بررسی استدلالی کتاب عروة الوثقی در ابتدا به تعریف موضوع و روشن

نمودن ابعاد و تعیین حدود و ثغور آن می‌پرداخت، و بعد از آن متعرض احوال فقها و آرای آنها پیرامون حکم آن موضوع می‌شد، و در ادامه دلیل هر قول را می‌آورد، سپس به موازنه‌ی بین آنها می‌پرداخت تا به قول مختار در مسئله برسد.<sup>۱</sup>

آیه الله العظمی خویی تا آنجا که می‌توانست سعی در تطبیق مستقیم مسائل به طور عینی داشت؛ تا آنجا که خود ایشان در صدد تعیین وزن آب کَرّ بر آمد؛ این بر خلاف رویه‌ی مرسوم بین مدرسان خارج است، که عمدتاً بر آرای منقول در کتب و تجارب دیگران تکیه می‌کنند.<sup>۲</sup>

در مواجهه با شهرت، فقها بر سه گونه‌اند: گروهی از فقها - در مواجهه با آراء مشهور- بسیار محتاطند و حتی تعبد به آرای مشهور را نیکو می‌دانند و از مخالفت با آن به شدت پرهیز دارند. کسانی همچون محمد حسن نجفی (۱۲۶۶هـ.ق)، شیخ انصاری (۱۲۸۱هـ.ق)، ملا محمد نراقی (۱۲۴۵هـ.ق) و سید علی طباطبایی (۱۲۳۲هـ.ق) از این دسته‌اند. در مقابل برخی از فقها هیچ ارزشی برای شهرت قائل نیستند؛ کسانی مثل شهید ثانی (م ۹۹۳هـ.ق)، سید محمد موسوی عاملی (م ۱۰۰۹هـ.ق) و شیخ حسن عاملی (م ۱۰۱۱هـ.ق) و... در این میان کسانی مثل حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۰هـ.ق) و امام خمینی و نیز سید کاظم طباطبایی یزدی (م ۱۳۳۷هـ.ق) در مواجهه با شهرت، حد وسط را می‌پیمایند.

آیه الله العظمی خویی از طرفداران خط مشی دوم بود؛ یعنی با شهرت بسیار مخالف بوده و همیشه می‌فرمود: ما شهرت را - نه به عنوان صغری و نه به عنوان کبری قبول نداریم. همین امر، موجب ظهور متفرداتی در فتاوی آن بزرگوار گردید.<sup>۳</sup>

با این توضیحات، می‌توان خصوصیات درس خارج فقه آیه الله العظمی خویی را چنین برشمرد:

- ۱- محور درس ایشان در خارج فقه، عروة الوثقی سید محمد کاظم یزدی و مکاسب شیخ انصاری بود.
- ۲- ایشان در ابتدا مبنای وثوق صدوری را پذیرفت، ولی در ادامه از این مبنا به مبنای وثوق سندی عدول کرد.
- ۳- ایشان موضوع مورد بحث را ابتدا به صورت کامل مشخص می‌کرد تا هیچ ابهامی بر موضوع سایه نیفکند و بعد از آن، به ارائه‌ی اقوال فقها و ادله آنها و موازنه بین آنها می‌پرداخت.
- ۴- ایشان بر عدم اعتبار شهرت - چه روایی و چه فتوایی پای می‌فشرد.

۱ - علامه عبدالهادی فضل: مجله‌ی الموسم عدد ۱۷ ص ۲۱۹

۲ - همان

۳ - حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی

با توجه به اینکه بخش اعظم عمر تحصیلی آیه الله العظمی فلسفی در نزد آیه الله العظمی خوئی سپری شد و ایشان بیشترین تأثیر را از استاد خویش داشت، در عین حال مخالفت‌هایی هم در سبک تدریس ایشان با تدریس استادشان وجود دارد. سبک فقهی آیه الله العظمی فلسفی را می‌توان این‌چنین به تصویر کشید:

۱. محور درس ایشان در خارج فقه، عروة الوثقی<sup>۱</sup> و مکاسب شیخ و نیز شرایع الاسلام بود،<sup>۲</sup> که به عقیده‌ی برخی محوریت شرایع الاسلام بیشتر نمود داشت.

۲. از آنجا که ایشان از شاگردان دوره‌های اول درس خارج آیه الله العظمی خوئی بود، مبنای وثوق صدور را (که همان مبنای ابتدایی آیه الله العظمی خوئی بود) پذیرفته بودند. همین امر باعث می‌شد تا آراء و مبانی رجالی ایشان از اضطراب کمتری برخوردار باشد.<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است کسانی که از شاگردان دور عروة الوثقی اول ایشان بوده‌اند - مثل آیه الله العظمی فلسفی و نیز آیه الله سید صادق روحانی - از پیروان وثوق صدور هستند.<sup>۴</sup>

۳. ایشان نیز به پیروی از استاد، در مُتَقِّح کردن موضوع مورد بحث، تبخّر فوق‌العاده‌ای داشتند.

۴. آیه الله العظمی فلسفی بر خلاف استاد، بر اعتبار شهرت بسیار مُصِرّ بود و تا جایی که می‌توانست ادله را به گونه‌ای بررسی می‌کرد تا در مقابل شهرت قرار نگیرد و علاوه بر آن، در مقابل روایات و فهم اصحاب از آنها بسیار تعبّد داشت.<sup>۵</sup>

۵. آیه الله العظمی فلسفی در مقام پرداختن به روایات، اخباری را مورد توجه قرار می‌داد که از نظر سند و دلالت وضعیت بهتری داشتند و با وجود روایت‌های صحیح و معتبر، روایات مرسل و ضعیف‌السند را - حتی به عنوان تأیید - مورد بحث قرار نمی‌داد؛ و بر همین اساس، کمتر دیده می‌شد که از روایات مستدرک الوسائل روایتی را وارد بحث کند.<sup>۶</sup>

آیه الله العظمی خوئی به روایات جزئی و ضعیف اهمیت کمتری می‌دادند.<sup>۷</sup> آیه الله العظمی فلسفی در ارائه‌ی استدلال برای مسائل فقهی، به هیچ وجه به استحسانات و استدلالات خود ساختگی و نیز دقّت‌های عقلی محض

۱ - حجة الاسلام و المسلمین شریف لکزایی

۲ - حجة الاسلام و المسلمین محمد ربانی

۳ - حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی

۴ - حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی

۵ - همان

۶ - همان

۷ - حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی

- که دریافت های عرفی با آنها بیگانه است روی نمی آورد. این روشی بود که در دروس فقه استادشان آیه الله کاظمینی به وضوح مشاهده می شود.  
۷- ایشان برای تدریس، روشی میانه که مناسب تدریس باشد<sup>۱</sup> برگزیده بود. از ذکر تمام اقوال و ادله آنها پرهیز می کرد و به ذکر ادله متقن تر و اقوال مقبول تر اکتفا می نمود و در ارائه های همانها نیز از آوردن اسم صاحب اقوال خودداری می فرمود. این روال، یک تدریس استاندارد و مورد قبول در این سطح را پدید آورده بود.

لازم به ذکر است که ایشان در خارج اصول با همان بیان بسیار شیوا و گویای خویش به خیلی از آراء اشاره می کردند، ولی بنا نداشتند اسم صاحبان این آراء را بیاورد. اما به اذعان شاگردان ایشان، بعد از مراجعه مشخص می شد که ایشان آرای محقق نائینی و آقا ضیاء عراقی و آیه الله العظمی خویی و محقق اصفهانی و نیز مطالب امام خمینی را در درس متذکر شده است.<sup>۲</sup>

در نقد آرای فقها نیز سبک بسیار منحصر به فردی داشت. ایشان درس را به گونه ای بیان می فرمود که گویی مثلاً همان آرای مرحوم خویی به تعبیر دیگری بیان گشته است، ولی با مراجعه و تدقیق در تقریرات آیه الله العظمی خویروشن می شد که ایشان با تقریر خود، هم به مطلب استاد اشکال وارد کرده و هم اشکال را جواب داده است.<sup>۳</sup>

به نظر می رسد که نوآوری ایشان در فقه و اصول در همین قالب ارائه شده است، که البته برای استخراج آنها به تتبع و تفتن بسیار زیادی نیاز است، و یا در برخی موارد به گونه ای مطلب محقق نائینی تقریر می شد که اشکالات متأخرین بر آن وارد نبود.<sup>۴</sup>

همچنین ایشان بر این عقیده بودند که مستمعین باید در اثناء درس فقط رؤوس مطالب را یادداشت کنند و بعد از درس با مراجعه در کتب و تبعی دوباره، به نوشتن تقریر با اعمال سلیقه خودشان بپردازند و آنچه را که خود فهمیده اند، به قلم بیاورند.<sup>۵</sup>

منابع اصلی درسهای ایشان هم تقریرهایی بود که به همین سبک توسط خودشان، در ارتباط با درس های آیه الله العظمی خویی و دیگر اساتیدش، نگاشته شده بود.<sup>۶</sup>

همچنین با توجه به خصوصیات سبک فقهی ایشان، می توان علت تعطیل شدن بحث ایشان در قسمت ولایت فقیه را چنین تصویر نمود که ایشان به

۱- و نه پژوهش و تحقیق  
۲- حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید  
۳- حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید  
۴- همان و حجة الاسلام و المسلمین محمد حسن ربانی  
۵- همان  
۶- حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید

علت توجه بسیار زیادی که به شهرت روایی و فتوایی داشت، ونیز به علت احتیاط فراوانی که در فهم روایات - به گونه‌ای که مخالف فهم اصحاب از آن روایات نباشد - اعمال می‌کرد، می‌توان به خوبی فهمید که در بحث ولایت فقیه (که اتفاقاً مقدماتی را برای نتیجه‌گیری این بحث افاضه فرموده بود) نهایتاً به همان ولایت فقیه در امور حسبه حکم خواهند داد، و از آنجا که ایشان در جریان انقلاب و نیز پس از آن حضور داشتند تا آنجا که عضو خبرگان دوره‌ی اول بودند و در جریان پیش‌نویس قانون اساسی قرار داشتند، با مشاورت با برخی از نزدیکان صلاح دیدند که این بحث را مسکوت گذارد.

#### ویژگی‌های تدریس

خارج اصول و خارج فقه آیه الله العظمی فلسفی از ویژگی‌هایی برخوردار بود که برخی از آنها منحصراً در شیوه عروة الوثقی تدریس ایشان یافت می‌شد. در مورد بیان و لحن تدریس ایشان صحبت‌های زیادی شده و تحلیل‌های خاصی صورت گرفته است. در برخی از این تحلیل‌ها چنین برداشت می‌شود که ایشان در پرداخت به مسئله خیلی ساده و راحت بودند و زیاد خود را به زحمت نمی‌انداختند، گو اینکه از محفوظات خویش در مجلس درس استفاده می‌کنند! ولی حقیقت این است که تحلیل و بررسی کسی می‌تواند اهمیت درس کسی همچون آیه الله العظمی فلسفی را روشن کند که خود از اهل فضل باشد و در مسیر اجتهاد قدم بردارد. شیوه‌ی تدریس ایشان در نظر شاگردان برجسته‌ی ایشان دو خصوصیت بارز داشت:<sup>۱</sup>

۱. مطالب درس را از قالب فنی و اصطلاحات خودش بیرون می‌آورد و در قالبی خاص قرار می‌داد که هم فهم آن برای مخاطب آسان می‌شد و هم به ابتدال کشیده نمی‌شد. پس از تفهیم آن به مخاطب، همان مطلب را با اصطلاحات اصولی بازسازی می‌کرد تا طلبه از ادبیات اصول دور نمانده و گمان نشود که مطلب ساده است.<sup>۲</sup> استفاده از این مهارت در مورد مباحث علم اصول خود مهارتی دیگر می‌طلبید، زیرا مباحث اصول فی نفسه از تعقید و پیچیدگی زیادی رنج می‌برد که تفهیم آن را مشکل می‌کند.

۲. سطح مطلب را تا آنجا که می‌توانست پائین می‌آورد و در صدد ارائه‌ی یک چهره کاذب پیچیده از مطالب نبود. البته این مهارت در برخی موارد، منجر به این می‌شد که مستمع بد سلیقه، حکم به سطحی بودن درس آیه الله العظمی فلسفی کند.<sup>۳</sup>

۱ رک: نشست حلقه‌ی علمی افق پیرامون جایگاه علمی آیه الله فلسفی با حضور برخی از شاگردان برجسته‌ی ایشان، به مناسبت هفتمین روز درگذشت آن استاد فقید  
۲ - حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید  
۳ - حجة الاسلام و المسلمین احمد علم الهدی

ایشان در خارج اصول بنای بر اختصار تا حدی که مُخَلِّ درس نشود و پرداختن به اقوال مهم و تفهیم مطلب صحیح با مهارت‌های خاص خود داشت. در این راستا برای فهم مطلب از تعابیر و ساختارهای کلامی‌ای استفاده می‌کردند که نشان دهنده ذوق زیبای ایشان در تمثیلات و تعبیرات است. این مهارت در درس خارج فقه ایشان به مراتب بیشتر به چشم می‌خورد؛ زیرا در فروعات فقهی بر این باور بودند که تمام فروع و ریزه‌کاری‌های موجود در مسئله را متذکر شوند و در این میان از مثال‌هایی بسیار جالب برای تفهیم مطلب استفاده می‌کردند.<sup>۱</sup>

پرداختن به تمام فروع مسئله در فقه از خصوصیات فقه (تا حدّی) تقدیری و صنعتی مکتب نجف است. در این مکتب، بر مفروضات و تقدیرات زیاد تکیه می‌شود، ولی در مقابل، مکتب قم، تمرکز خود را بر روایات و زمینه تاریخی آنها متمرکز می‌کند.